

بزرگداشت روز جهانی فلسفه
سلامتی و زندگی خوب: رویکردهای نظری
۱۰ آذرماه ۱۳۹۹

برساخت اجتماعی سلامت و بیماری

حسین شیخ‌رضایی

مدیر گروه مطالعات علم، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

sheykhrezaee@irip.ac.ir

دو مفهوم «سلامت» و «بیماری» در بسیاری از رشته‌های علمی و نظری، مانند پزشکی، اخلاق، سیاست‌گذاری عمومی و ...، از اهمیت برخوردارند؛ به‌ویژه که در همه این رشته‌ها به سنجه‌هایی برای تعیین آنکه فرد بیمار کیست و سلامتی چیست نیاز داریم. فلسفه از آن‌رو که با تعریف مفاهیم و تعیین حدود و ثغور کاربرد آنها سروکار دارد، در بحث‌های مرتبط با این دو مفهوم مدخلیت می‌یابد. بنا به رویکردی قدیمی‌تر، که شاید با آنچه «عقل عرفی» درمی‌یابد نیز هماهنگی بیشتری دارد، تعریف «بیماری» و «سلامت» به‌نحوی «طبیعی» و «عینی» و به شکلی «تجربی» انجام می‌گیرد: «بیماری» مقوله و مشکلی فیزیولوژیک یا روان‌شناختی است که در آن برخی اندام‌ها یا قوای فرد بیمار طبق آنچه کارکرد «طبیعی» و «بهنجار» آنها است عمل نمی‌کنند، و این انحراف از امر طبیعی و بهنجار «نامطلوب» تلقی می‌شود. در مقابل، در رویکرد برساخت‌گرا یا اجتماعی، هرگونه فاصله‌گیری از مقادیر و کارکردهای «متوسط» نوعی «انحراف» ارزش‌گذاری نمی‌شود. از سوی دیگر، در این رویکرد، جنبه‌های هنجاری، فرهنگی و گفتمانی در تعریف دو مفهوم «سلامت» و «بیماری» کانون اصلی توجه‌اند. طبق این تلقی، علائق، منافع و ارزش‌های انسانی در تعریف و تعیین حدود دو مفهوم «سلامت» و «بیماری» نقش اساسی دارند و با صرف ارجاع به تفاوت‌های فیزیولوژیک و روان‌شناختی نمی‌توان این دو مفهوم هنجاری را تعریف کرد. در این سخن خواهیم کوشید ابتدا قرائت‌های برساخت‌گرایانه رایج از دو مفهوم «سلامت» و «بیماری» را تشریح کنیم و آنگاه ببینیم این قرائت‌ها تا چه حد قابل‌دفاع‌اند و آیا ما را به کل از طبیعی‌انگاشتن «سلامت» و «بیماری» بی‌نیاز می‌کنند یا خیر.

واژگان کلیدی: سلامت، بیماری، رویکرد فیزیولوژیک، رویکرد برساختی، هنجارمندی